بیشخوان

جمنا آمادگی مدیریت لیست‌های انتخاباتی سال ۹۸ را دارد

سیدمحمد حسینی، عضو شورای مرکزی جمنا: صحبت درمورد انتخابات سال ۹۸ زود به نظر می‌رسد. اکنون باید افکارعمومی را نسبت به عدم تحقق وعده‌های انتخاباتی نمایندگان جناح رقیب آگاه کنیم و این امر هم با بازنمایی موضع‌گیری‌های نمایندگان در زمان رقابت‌های انتخاباتی محقق می‌شود. هنوز بطور رسمی ستادی تشکیل نشده ولی رایزنی‌ها و سفرهای استانی مسوولان احزاب اصولگرا آغاز شده است. جبهه مردمی نیروهای انقلاب اسلامی در انتخابات ۹۶ از ۲۱ نامزد منفرق به یک نامزد رسید و اکنون هم آمادگی مدیریت جریان انتخاب لیست‌ها را دارد. باشگاه خبرنگاران جوان

لازم باشد روحانی در جلسات مجمع حاضر می‌شود

محمود واعظی، رییس دفتر رییس‌جمهور: روش آقای رییس‌جمهور برای حضور در جلسات مجمع با گذشته فرقی نکرده است اما این روزها سر ایشان بسیار شلوغ است. هم در این مجمع و هم مجمع قبل به این دلیل که روزهای شنبه ایشان برنامه‌هایی دارند که جلسات مجمع فراهم نمی‌شود. این روزها آقای رییس‌جمهور بسیار سرشان شلوغ است به هر حال در مجمع افراد مختلفی هستند و اگر زمانی هم لازم باشد آقای روحانی در این جلسات شرکت می‌کند. ایلنا

پشت پرده مسکوت ماندن لایحه FATF

غلامرضا تاجگردون، رییس کمیسیون برنامه و بودجه: پیشنهاد مسکوت ماندن لایحه مقابله با تامین مالی تروریسم مورد اتفاق نظر لیدرهای جریانات سیاسی مجلس بود. با این اقدام طرف ایرانی می‌تواند در مذاکرات از این ابزار استفاده کند. مشخص نیست که این لایحه تصویب شود یا نه و فرایند شورای نگهبان نیز شفاف نبود. اما آنچه شفاف بود این بود که ما در مذاکرات با اروپا هستیم و لازم بود وقفه‌ای ایجاد شود. بسیاری از تندروها به مسکوت ماندن این لایحه رای ندادند، این کار مشورتی هم دو جریان در ۱۰ تا ۲۰ دقیقه بود. در واقع با یک رای این لایحه رای‌گیری می‌شد و این لایحه رای نیاورد یا این لایحه رای می‌آورد و احتمالا در شورای نگهبان و فرایندهای بعدی متوقف می‌شد، اما یک روش دیگر این بود که آن را برای دو ماه متوقف کنیم تا اقایان در مذاکرات از این ابزار استفاده کنند. ایسنا

باید با سیاست‌های کف خیابانی برخورد کرد

سیدمصطفی هاشمی‌طبا: همه باید مطابق قانون عمل کنند. رفتارهای کف خیابانی خوب نیست و مسوولان کشور بدانند که همه ضرر می‌کنند، حتی کسانی که از این گروه‌ها حمایت می‌کنند. من که موافق این روش‌ها نیستم ولی مسوولان مملکت باید چاره کنند. اگر دوست دارند در مملکت آنارشیسم باشد بحث دیگری است اما اگر دوست ندارند باید با این مسائل برخورد کنند. نامه‌نیوز

تندروها می‌خواهند بگویند رییس‌جمهور کاره‌ای نیست

عبدالرضا هاشم‌زایی، نماینده تهران: بایست حرکت‌های تندروانه از جمله به سفارت‌ها، اتش زدن پرچم در مجلس و... را رزیابی کنیم که با این اقدامات چه منافعی حاصل شد جمهوری اسلامی و مردم شده است. باید دید که منافع ملی کشور در این نوع اقدامات است؟ در حال حاضر مجلس و نهادهای دیگر در وضعیتی نیستند که در این موقعیت و مشکلاتی که داریم عدم کفایت رییس‌جمهور را مطرح کنند و این موضوع تصور نمی‌شود اما به نظر می‌رسد که آنها می‌خواهند بگویند دولت حتی اگر رای اکثریت آرا را بیاورد و ما نخواهیم، موفق نیست. تندروها قطعا این نگرش سطحی را به دلیل مخالفت با دولت دارند. آنها می‌خواهند بگویند مردم شما رای بدهید یا ندهید خیلی به دولت کارساز باشد. آنها می‌خواهند بگویند رییس‌جمهوری که ۲۴ میلیون رای آورده در کشور کاره‌ای نیست و این خطرناک است. اعتماد آنلاین

تجربه نشان داده که ایجاد محدودیت جواب نمی‌دهد

غلامرضا حیدری، نماینده تهران: تجربه نشان داده که ایجاد محدودیت هرچه بیشتر شود عکس‌العمل به آن منفی خواهد بود. یعنی این نوع برخوردها (گشت نسبت) نه تنها نتیجه‌بخش نیست بلکه برخلاف نظر اجراکنندگان طرح که فکر می‌کنند این نوع برخوردها بازدارنده است می‌تواند به تشدید آن موضوع خاص کمک کند. فکر می‌کنم نظام باید نسبت به چنین موضوعاتی، رویکردش را واقع‌بینانه کند و از سیره امنه استفاده کند. ما مسلمان هستیم و باید ببینیم که الگوها و نمادهای ما مسلمانان در رابطه با موضوعات مختلف چطور عمل می‌کرده و آنگاه ما هم به همان سبک عمل کنیم. حداقل در ایران می‌توانیم این نتیجه را بگیریم که این نوع برخوردها نه تنها جواب مثبت نداده که حتی به سره مرور زمان شرایط را بدتر هم کرده است. رویداد ۲۴

گزارش

«اعتماد» مواضع حمایت طیفی از اصولگرایان نسبت به دولت را بررسی می‌کند

تغییر فاز جناح راست

ابوالفضل عرب‌جعفری/ امید

مرجان زهرانی

اصولگرایان در مواجهه با بحران، راه را است برگزیده‌اند. «انصافا دولت تلاش خود را کرده است» جمله‌ای است که شاید در ۵ سال اخیر کمتر اصولگرایی به زبان آورده‌باشد. آیت‌الله محمدعلی موحدی کرمانی، دبیر کل سابق جامعه روحانیت مبارز دیروز موضعی متفاوت در مورد «دولت» داشت. محمدعلی موحدی کرمانی در مورد خروج امریکا از برجام و اینکه برخی گروه‌های سیاسی دولت را به عنوان متولی برجام عامل بدعهدی امریکا می‌دانند، گفت «انصافا دولت تلاش خود را کرده است و مسوولان هم زحمت کشیده‌اند و تمام مساله، عهدشکنی امریکا است وگرنه دولتمردان تلاش خودشان را کرده‌اند.»

دبیر کل سابق جامعه روحانیت که یک بار در واکنش به اظهارنظر غلامرضا مصباحی مقدم، سخنگوی تشکیلات مذهبی- سیاسی که از مذاکره جامعه روحانیت مبارز با مجمع روحانیون در راستای تحقق «گفت‌وگوی ملی» سخن گفت جنجال به پا و حرف‌های سخنگو را تکذیب کرد و حرفش را «استباهی» خواند؛ دیروز از «ضرورت گفت‌وگوی ملی و اتحاد» گفت و تاکید کرد «رمز پیروزی ما از ابتدا وحدت بوده است و امیدواریم همه مردم یکپارچه در مقابل دشمن بایستند.»

او که حتی در خطبه‌های نماز جمعه تلویحا به دولت مستقر اشاره کرده و گفته‌بود عده‌ای «صادولوح» گول دولت اوباما را خورده‌اند و در نهایت همچنین به «برجام» خنم شد، در پایان گفت‌وگوی روز گذشته خود از خواست تا همه دولتمردان پیروز باشند و البته تاکید کرد که «امیدواریم مردم و مسوولان ما بیدار باشند و دیگر به سیاست خارجی نسبت به دولت به روزرسانی شود.»

همزمان با این واکنش غلامرضا مصباحی‌مقدم، سخنگوی جامعه روحانیت مبارز هم در گفت‌وگو با ایرنا از تمایل جامعه روحانیت مبارز به اتحاد، همدلی و وحدت میان مردم و گروه‌های سیاسی سخن گفت. موضوعی که به گفته او نیاز امروز کشور است. البته او متذکر شد که تاکید بر وحدت به این معنا نیست که جامعه روحانیت مبارز برای این وحدت برنامه خاصی تدوین کرده است اما تصمیم دارد حول محور وحدت قرینی گام بردارد.

البته این تنها چرخش اصولگرایان در مدت اخیر نبود چه آنکه محمد غفور منتظری، دادستان کل کشور نیز روز یکشنبه علیه تخریب‌گران دولت موضع گرفت و گفت که «تخریب دولت به هیچ‌وجه درست نیست» اما تاکید کرد «این نگاه به این معنا نیست که عملکرد دولت را نقد نکنیم. نقد همیشه سازنده است اما تخریب به هیچ‌وجه درست نیست.»

پیش از این و پس از اعلام ترامپ مبنی بر خروج امریکا از برجام اصولگرایان دیگری نیز بودند که از دل همراهی با دولت وارد شده‌اند و ایده‌شان این بود که نباید در چنین شرایطی دولت از سوی نیروهای سیاسی داخلی هم تحت فشار باشد. غلامرضا مصباحی‌مقدم همان زمان از جمله همین اصولگرایان بود که بر سنگاه ملی تاکید کرده و گفته‌بود «از نگاه ملی به نظر من باید مصالح و منافع ملت ایران را دنبال کرد و این مصالح و منافع در هر شرایطی باید با توجه به همان شرایط در نظر گرفته شود. در این شرایطی که امریکا دشمنی خود را به حداکثر رسانده و سعی می‌کند از اهرم‌هایی که در اختیار دارد استفاده و حداکثر فشار را بر ایران وارد کند ما در داخل باید به صورت منسجم و مستقل با هم کار کنیم.» او البته تاکید کرده‌بود که «باید دولت را حمایت کنیم که از این برهه بگذرد.»

احمد توکلی هم که اصولگرای معتدل است، پس از اعلام تصمیم ترامپ گفته «الان شرایطی به وجود آمده که نه موقع توسیه‌حساب و نه موقع ملامت و مذمت است.» او همچنین گفته کرده‌بود که «اگر هم ملامتی پیش می‌آید باید از باب بار شدن و گشایش راه آینده باشد. چون به‌هرحال در وضعیتی هستیم که به‌اندازه کافی دشمن داریم و باید در کنار حامی سیاست‌های راهبردی تعیین شده رهبری باشیم.»

محمدرضا باهنر، دبیر کل جبهه پیروان خط امام و رهبری نیز از دیگر اصولگرایانی بود که به جای ملامت، دست کم سیاست خارجی دولت را تایید و از آن حمایت کرد. او به میزان گفته‌بود «هنوز هم عده‌ای می‌گویند برجام چه شد؟ بله در برجام از آن مقداری که می‌خواستیم نتیجه بگیریم، کمتر جواب گرفتیم. اما اگر همین الان من بیرسند که اگر به سه سال قبل بازگردیم و قرار باشد دوباره در خصوص برجام تصمیم بگیریم، آیا باید برجام را امضا کنیم یا خیر؟ می‌گویم بله باید امضا کنیم. ولی عده‌ای می‌گویند نخیر ما برجام را که امضا کردیم منحصل ضرر شدیم.» او در گفت‌وگویی دیگر نیمه مناقره‌کننده را بر خلاف تندروهای جناح متبوعش متدین و قابل اعتماد برای نظام و رهبری توصیف کرد.

باهنر پیش از خروج امریکا از برجام هم مواضع واقع‌بینانه‌ای در مقابل دولت اتخاذ کرده و گفته بود «همه می‌دانند به لحاظ جناح‌بندی جزو جناح دولت محسوب نمی‌شوم، اما بالاخره نمی‌توان گفت دولت برای حل مشکلات کاری انجام نداده است. دولت زحمات زیادی کشیده و البته می‌توانست اقدامات بیشتری انجام دهد و حوائجی هم به وجود نیاورد.» **سیاست داخلی زیر سایه سیاست خارجی**

تمایز و تفارق شاید اصلی‌ترین ویژگی جبهه مدرن باشد که زمانه امروز در صورت نادیده گرفته‌شدن، بحران ساز می‌شود. از همین روی «وحدت و اتحاد» در سطح ملی باید لازمه جوامع امروزی برای جلوگیری از بحران‌هایی اساسی باشد. تجربه تاریخی پس از انقلاب اسلامی نشان داده است که «هجران» تمام آن چیزی است که شاید پیش‌شرط تحقق «وحدت» باشد. از آن دست بحران‌هایی که عموما ریشه خارجی و برون‌مرزی دارند. بهترین شاهد مثال آن هم شاید حمله عراق به ایران در شهریور ۵۸ باشد. جنگی تحمیلی یا به تعبیری دیگر بحرانی خارجی که ملازمت با بازرش‌های دهه ۶۰ که ختم به خرب شد. زمانی که قطعنامه ۲۲۳۱ در شورای امنیت به رای گذاشته شد بسیاری آن را با قطعنامه ۵۹۸ قیاس کردند. باید این حال برای کار آمدن یک جمهوریخواه بی‌سرو را در امریکا این مشابهت‌سازی را مخدوش کرد. پس از خروج امریکا از برجام که امید مردم و البته دولت «تدبیر و امید» بود با دیگر کشور با بحرانی تحمیلی با ریشه‌ای خارجی مواجه شد. در چنین شرایطی جریان‌های سیاسی داخلی هر کدام از میان دو راه پیش رو یکی را برگزیدند.

صولت‌گرایان و راهبردهای رهبری

تکلیف اصلاح‌طلبان و معتدلان که از همان ابتدا مشخص بود. آنها از ابتدا قرار را بر حمایت نقادانه گذاشتند و تاکیدشان بر منافع ملی نشان از همراهی آنها با دولت مستقر بود. حال اصولگرایان هستند که باید تکلیف‌شان را مشخص کنند.

اساسا سنتی با موضع‌گیری‌های اخیر پالس‌های مثبتی برای جریان راست سنتی فصل‌الخطاب راهبردهای رهبری است. چه آنکه پس از خروج امریکا از برجام رهبر معظم انقلاب از دولتی‌ها تشکر کرده و گفته‌بود «مسوولان محترم زحمت کشیدند و عرق ریختند و خب، نتوانستند. دو سال و نیم است که ما در حال انجام این قرارداد هستیم و حالا این مردک می‌گوید من قبول ندارم.» البته نسبت به گرفتن تضمین کتبی از اروپایی‌ها و اغسار مذاکره با «گروه ۵» هشدار دادند.

از همین رو به نظر می‌رسد که طیف سنتی اصولگرا به ادراک واقع‌بینانه‌ای از موقعیت و مختصات سیاسی کشور دست یافته است و با اقلی بلندتر به شرایط ایران در منطقه و جهان می‌نگرد. جریان ریشه‌دار و اصیل را سراگا که در یک دهه گذشته تاوان تندروی‌های هم جریانی‌های خود را داده است می‌خواهد با نگاهی به منافع ملی به کمک دولت بیاید و البته مشکلات کشور را فراتر از ظرف دولت دانسته و برای آن چاره‌جویی کند.

در کنار این سنتی‌ها که نشانه‌هایی از پررنگ شدن منافع ملی در نگاه آنها به چشم می‌خورد، همچنان گروهی تندرو سناریوچینی می‌کنند. ۴ سناریوی قانونی و شبه قانونی که سعید حجاریان چندی پیش در گفت‌وگو با «اعتماد» آنها را اینگونه دسته‌بندی کرد: تهدید به طرح عدم کفایت رییس‌جمهوری، ترغیب و سوق دادن روحانی به استعفا، پرونده‌سازی برای رییس‌جمهوری مستقر و دست آخر اعمال فشار بر سر مسائل شخصی رییس‌جمهوری پرونده‌های باز تندروهای اصولگرا البته در یک صورت بار بسته مواجه خواهد شد و آن در شرایطی است که رسانه‌سازی برای پاسداری از منافع ملی بر محور وحدت بچرخد و دولت نیز همانطور که پیش‌تر سخن روحانی تاکید کردبود از همه جریان‌ها و جناح‌های سیاسی برای عبور از گردنه‌های سخت درخواست کمک کند.

غلامرضا ظریفیان در گفت‌وگو با «اعتماد»:

گذشت زمان و تجربه روزهای سخت، اصولگرایان را معقول کرده است

■ **چرا جریان اصولگرا تصمیم به حمایت از دولت گرفته است؟**

جریان اصولگرایی شامل دو بخش است. جریان عاقل اصولگرایی از گذشته تلاش داشته ضمن حفظ رویکرد انتقادی با دولت همراهی و همکاری کند اما بخش تندروی این جریان همچنان در مسیر مخالفت با دولت قرار دارد. اما در شرایط امروز کشور اگر ما شرایط همدلانه و اتحاد را بیش از پیش ببینیم کاملا اتفاقی طبیعی است. فرار و نشیب‌های چند سال اخیر سبب شده است تا نوعی عقلانیت بر فضای سپهر سیاسی ایران حاکم شود. این عقلانیت موجب تفکیک میان منافع حزبی و ملی شده است که اتفاق مبارکی است. ایران امروز هم تحت تاثیر فشار خارجی دارد و هم در موضوعات داخلی چالش‌های بسیاری دارد. بنابراین منطقی‌ترین کار آن است که لبه‌های تیز نقدی و نقدهای شالوده‌شکن را رعین حفظ هویت جریان سیاسی کم کنیم.

■ **برای برون‌رفت از وضعیت کنونی چه باید کرد؟**

به نظر من گذشت زمان یک اثر مناسبی برای دلسوزان، متعهدان به مردم و منافع ملی با هر گرایش سیاسی ایجاد کرده است. اظهارنظرهای اخیر ایران خارج از کشور که انتظار از آنها در حداقل‌ها چی‌ای نمی‌گیرد، نشان می‌دهد یک حس مشترک میان تمام ایرانیان شکل گرفته است که برای نجات این حس همگان باید به گود بیایند این حس همان احساس خطر برای ایران عزیزمان است. کشور ما با مسائلی روبه رو است که اگر همفکری نداشته باشیم، آسیب‌های جدی به کشور وارد خواهد شد. این فضای مبتنی که شکل گرفته نشان به شاید برخی محدودشود.

■ **اظهار کلامی حمایت از دولت توسط جریان اصولگرایی نشانه چیست؟**

اکنون بهترین فرصت برای اجرای سیاست‌های جدیدی است که به افزایش همبستگی ملی کمک کند. این همبستگی به دلسوزان این خاک چه در داخل و چه در خارج از کشور انگیزه می‌دهد تا با انرژی و روحیه مناسب بتوان از تنگناها و پیچ‌های سخت عبور کرد. جریان معقول اصولگرایی امروز به درستی این موضوع را درک کرده‌بود به همین دلیل در راستای همبستگی ملی تلاش می‌کند.

■ **خروج امریکا از برجام چه مقدار در این تصمیم سهیم بود؟**

برخود امریکا با جمهوری اسلامی ایران بسیار غلط بود. امروز ماندند ۸ سال گذشته در انزوای جهانی قرار نداریم. برخود امریکا موقعیت سیاسی ما در جهان را تقویت کرده و اکنون آنها هستند که در محل پرسش قرار گرفته‌اند. به شرط آنکه ما بتوانیم از این شرایط استفاده کنیم موقعیت بسیار مناسبی در اختیار ما قرار دارد. شرط استفاده برابر توجه به تقویت نقوت همبستگی ملی است. مردم ایران همواره در برابر تهدیدها قرار از هرنگاه سیاسی با یکدیگر محدت بودهاند و ایران نیز در این موضوع مستثنی نیست. عزم داخلی که اکنون شاهد هستیم و جریان اصولگرا نیز عاقلانه دارد در آن سهیم باشند نیز مهم است. یکی از مهم‌ترین پیش نیازهای این مهم کمک به افزایش اعتماد و اطمینان جامعه است. اکنون فرصت مناسبی در اختیار ما قرار گرفته است تا با ساماندهی نیروهای توانمند خود همبستگی ملی را تقویت کنیم. رویه‌های گذشته امروز دیگر به‌شکوکی نیاز جامعه و مردم نیست. مایلند رویه‌های رفتاری گذشته خود را اصلاح کنیم.

■ **چرا اتحادهایی از این دست تنها در شرایط بحرانی حاصل می‌شود؟**

این موضوع بیشتر جنبه‌های روان‌شناسی دارد. عموما انسان‌ها وقتی احساس نگرانی ندارند، بسیاری از موضوعات را رها می‌کنند. در کنار عوامل روان‌شناسی موضوعات سیاسی نیز حایز اهمیت است. جامعه‌ما در عرصه‌سیاسی نیازمند سیاست‌ورزی حرفه‌ای است. برای این مهم باید احزاب و سازمان‌های مردم‌نهاد توقیت شوند. در کنار آن موضوعات از آموزش نباید غافل شد. در دانشگاه‌ها و مدارس به اندازه کافی به موضوعات سیاسی و مهم مانند مناقع ملی و خرد جمعی آموزش داده نمی‌شود. استفاده از خرد جمعی و فرصت‌های ملی نیازمند آموزش، عملکرد حرفه‌ای و تقویت ساختار و سازو کارها است.

در این میان نباید از تقویت رسانه‌های ملی شد. ما نباید اقداماتی انجام دهیم که مردم نسبت به رسانه‌های خودیی اعتماد شوند. این رسانه‌های خودی شامل رسانه ملی و رسانه‌های مکتوب و مجازی می‌شود. بی‌اعتمادی مردم به رسانه‌های داخلی ضربات جبران‌ناپذیری به کشور زده است زیرا در صورت بروز این اتفاق رسانه‌ها نقش آموزشی و ایجاد همبستگی خود را در میان افکار عمومی از دست خواهند داد.

■ **برخورهای اخیر جریان اصولگرایی چه میزان تحت تاثیر اظهارات اخیر مقام معظم رهبری است؟**

حرف‌رهبری تاثیر بسزایی در این تصمیم داشته است زیرا این جریان به کمک رهنمودهای رهبری توانسته برای تایید پیش بگذارد اما در کنار صحبت‌های اخیر رهبری، مسیر تنگناها و تجارب گذشته نیز در این تصمیم‌گیری تاثیرگذار بوده‌است.

«اکنون بهترین فرصت برای اجرای سیاست‌های جدیدی است که به افزایش همبستگی ملی کمک کند.»

«امروز ماندن ۸ سال گذشته در انزوای جهانی قرار ندارم. ما شرط استفاده از این موقعیت تقویت همبستگی ملی است.»

محمد مهاجری در گفت‌وگو با «اعتماد»:

اصولگرایان برای عبور از بحران‌های کشور راهی جز حمایت از روحانی ندارند

■ **دلیل ارسال بالس همصدایی و اتحاد از سوی برخی بزرگان جریان اصولگرایی به دولت حسن روحانی چیست؟**

اینکه بپذیریم جریان عاقل اصولگرا از دولت حمایت می‌کند، پذیرش این نکته است که برای پیشرفت کشور و جلوگیری از بحران‌های سیاسی و اجتماعی جهر از حمایت از قوای که امکانات تدارک امور کشور را در اختیار دارد، نیست. متاسفانه بخشی از جریان اصولگرا در انتخابات ۹۲ و بخشی دیگر در انتخابات ۸۸ مانده و متصور است هر گنجشکی که دیر تر از دیگری بپرد حتما عاملی به نام فتنه در آن دخیل است. کسانی که در ۹۲ گیر کردند، متصور هستند در هر شرایطی باید کاندیدای مطبوع آنها پیروز می‌شد. این جریان خیلی به صندوق‌های رای بایسته نبوده ومی‌گویند چون ماحق هستیم باید بدبر ناحق شویم.

■ **به نظر شما راه حل مشکلات کشور چیست؟**

حل مشکلات کشور با تقوت بنیان‌های قوه مجریه امکان‌پذیر است. مشکل اصلی در آن است که برخی از سازمان‌ها و نهادهای قدرت در کشور برای امور مرتبط با دولت ایجاد مراحمت می‌کنند. من از حمایت برخی مقامات از دولت استقبال می‌کنم اما با حلواحلوا گفتن دهن شیرین نمی‌شود. اینکه یک نهادی یک‌روز درمیان با یک چوب دولتی در گیر شود یا در کارهای کوچک و پیش‌پاافتاده ملت گرانی شان بلیت هواپیما یا رخت دیر تر از موعد سود توسط موسسات مالی دخالت کند هم هتک حیثیت برخی نهادها است و هم نظم سیستمی قوه مجریه را مختل می‌کند. این اقدامات اعتماد به قوه مجریه را نیز از بین می‌برد. تقاوتی میان تخریب اعتماد مردم به قوه مجریه با قوه قضاییه نیست. به عنوان نمونه تصور کنید مسوولی بگوید احکام قضایی فعل الخطاب است اما بر تک تک آرکان قضایی در رسانه‌های رسمی ابراز بگود و با برخی دربارهٔ موضوعی که از آن اطلاع ندارند، اظهارنظر کنند. به همین موضوع FATF که اکنون مدعی می‌گویم که ۹۵ درصد از کسانی که در این باره اظهارنظر می‌کنند اصلا لایحه مفقد جیست. چنگ زنی از جدی‌ترین ایرادات اساسی در ساختار سیاسی ما آن است که سیاسیون ما به هیچ نحوی حاضر به تحمل مسئولیت نیستند. حل مشکلات کشور نیاز به روحانی باشد یا احمدی‌نژاد یا خاتمی یا هاشمی.

■ **منظورتان آن است که نمایندگان مجلس باید از قوه مجریه حمایت کنند؟**

خیر. انتقاد بسیار هم خوب است و گهگاه می‌تواند سازنده باشد اما باید یک حد و خط قرمز داشته باشد. خط قرمز انتقاد آنجایی است که اعتماد به نظام از بین می‌برد. به نظر من اگر واقعا درمیان برخی از جریان اصولگرایی عقلانیتی پیدا شده است که از دولت حمایت می‌کند، اگر کلک سیاسی نباشد به این دلل است که به این نتیجه رسیده‌اند از بین بردن اعتبار نظام است. اگر این جریان، به این نتیجه رسیده باشند من به آنها تبریک می‌گویم.

■ **آیا این بالس‌ها به بدنه اصولگرایی سرایت خواهد کرد یا پس زده می‌شود؟**

در بدنه جریان اصولگرایی بخشی به نام تندرو و عصبانی وجود دارد که از هیچ کس هیچ حرف‌خوشی ندارند حتی مقام معظم رهبری. این افراد معتقدند برای انجام امور تکلیف شرعی دارند. افراد تندرو ویژگی و خصلت‌های بیمار گونه‌ای دارند که هیچگاه درست نخواهد شد. من از بین رفتن جریان تندرو را به نفع کشور نمی‌دانم زیرا معتقدم این گروه‌ها باید خود داشته باشند تا جریانات عاقل شناسایی شوند. متاسفانه بخش نجیب جریان اصولگرایی رسانه ندارد و زیاد هم اهل حرف زدن نیست. بخش عمده رسانه‌های جریان اصولگرایی در اختیار افراطیون این جریان قرار دارد. عامل این اتفاق سه حالت است نخست اینکه این اتفاق سایار خواسته برگزان جریان اصولگرایی بوده دوم با سکوت معنی‌دار خود این موضوع را تایید کرده‌اند یا نتوانسته‌اند جلو دار شوند. بزرگان جریان اصولگرایی نیز بارها و بارها از این رسانه‌ها لطمه خورده‌اند. به عقیده من بدنه اصولگرایی از آنجایی که تحت‌تاثیر فعالیت رسانه‌های تندروی قرار دارد، نمی‌توان ارزیابی دقیقی از حمایت بدنه اصولگرایی از دولت داشت. مهاجر ایران

■ **از کجا می‌توان مطمئن شد که این حمایت‌های لفظی از دولت به قول شما کلک سیاسی نیست؟**

باید منتظر ماند و به نظاره نشست. بارها پیش آمده است که جریان اصولگرایی یک موضعی موافق نبوده است به عنوان مثال بالا رفتن از سفارت عربستان یا حمله‌به لایحه‌ای درقم. در میان بزرگان اصولگرایی جست‌وجو کنید، اگر ۵ درصد این افراد این اقدامات افراطی را محکوم کرده‌بودند، نشان می‌دهد تمام جریان اصولگرایی پشت جریان معتدل خود قرار دارد اما متاسفانه جریان معتدل جریان اصولگرایی در بسیاری از اوقات از جریان تندرو اتزاق می‌کند که این مهم به قدرتمند ترشدن افراطی‌ها کمک کرده‌است.

سوژه روز

«اعتماد» تحرکات یک ماه اخیر محمود احمدی‌نژاد را بررسی می‌کند

محمود و ۱۴۰۰؟

«در سال ۱۴۰۰ شرایط برای احمدی‌نژاد و همفکرانش فراهم خواهد شد و شورای نگهبان چارهای جز تایید صلاحیت احمدی‌نژاد نخواهد داشت.» این خبری بود که تحت عنوان تحلیل نزدیکان احمدی‌نژاد به سرعت در فضای رسانه‌ای و شبکه‌های مجازی منتشر و منعکس شد. هرچند علی‌اکبر جوانفکر از چهره‌های نزدیک به احمدی‌نژاد، او را تنها چهره‌ای شایسته از نظر قاعده مردم خوانده و تلاش کرده تا دوقطبی احمدی‌نژاد- لاریجانی را تبیین و تقویت کند. جوانفکر گفته است: «من بی این باورم که تحرکات اخیر آقای علمی کار لاریجانی، از برنامه‌ریزی وی برای رسیدن به کرسی ریاست‌جمهوری حکایت می‌کند. بنابراین به‌نظر من تنها کسی که قاطبه مردم و براساس تجربه او را شایسته چنین جایگاهی می‌دانند، دکتر احمدی‌نژاد است! کاملا واضح است که ایشان را سد راه خود تلقی می‌کند. چنین به نظر می‌رسد که آقای علی لاریجانی قصد دارد پیش از فرارسیدن زمان انتخابات در سال ۱۴۰۰، با استفاده از اهرم‌ها مسیر ریاست‌جمهوری‌اش را هموار کند. هیچ‌کس خود را برای بار دوم و چندم در معرض انتخاب مردم قرار نمی‌دهد، اما به نظر می‌رسد در کشور ما کسی به این منطق روشن اعتنایی ندارد. البته علاوه بر این بهمن شریعتزاده، روحانی نزدیک به رییس دولت‌های نهم و دهم اخبار مربوط به قصد محمود احمدی‌نژاد برای کاندیداتوری در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ را رد کرد و به «اعتماد» اذعان می‌کند: «آقای احمدی‌نژاد اصلا دراین‌باره حرفی نزده‌اند و نخواهد زد.» شریف‌زاده مدعی است فضای سیاسی کشور در سال ۱۴۰۰ بسیار متفاوت خواهد بود و خیلی چیزها تغییر خواهد کرد.

همه این تاییدها و تکذیب‌ها در شرایطی است که محمود احمدی‌نژاد همچنان به دیدارهایش با مردم و گروه‌های مختلف ادامه می‌دهد. او اخیرا در مراسم افطار فعالان رسانه و فضای مجازی در محمودیه تهران حاضر شد؛ دیداری که بعد از فیلترینگ تلگرام با دستور قضایی همراه با مفهوم خاصی به خود می‌گیرد. احمدی‌نژاد پیش از این دیدار هم به تبریز رفت تا با فلاصله فیلم‌ها و عکس‌های سفرش در فضای مجازی انعکاس پیدا کند. البته مناسبت‌های مذهبی نیز اهمیت زیادی برای سازماندهی دیدارهای رییس‌جمهور سابق با طیف‌های مختلف مردم دارد. حضور احمدی‌نژاد در مراسم احیای ۲۱ ماه رمضان تبدیل به تصاویر و فیلم‌هایی شد تا به سرعت به استفاده‌های تبلیغاتی برسد. راهپیمایی روز قدس نیز همچون دیگر چهره‌های سیاسی به اجتماع مردم رفت. بیست‌ونهمین سالگرد بنیانگذار جمهوری اسلامی به حرم مطهر رفت تا همچون دیگر چهره‌های سیاسی خود را برای امام راحل بخواند. از طرفی سعی می‌کند تا خود را چهره‌ای منتقد نسبت به قوه قضاییه نشان بدهد.

همه رفت و آمدهای احمدی‌نژاد در ماه‌های اخیر و در شرایطی که خط قرمزش- مشایی و بقایی- با احکام قضایی و امنیتی مواجه شده‌اند حکایت از آن دارد که او به این راحتی‌ها قصد خاحفظ‌ی از قدرت و بازنشستگی را سپاس را ندارد.

بی‌تردید احمدی‌نژاد منتظر فرصتی طلایی برای رسیدن به آرزوی خود است. اما به واقع با توجه به وضعیت او در فضای سیاسی کشور، بسترهای لازم جهت تحقق این آرزوها فراهم خواهد شد؟

همه رفت و آمدهای احمدی‌نژاد در ماه‌های اخیر و در شرایطی که خط قرمزش- مشایی و بقایی- با احکام قضایی و امنیتی مواجه شده‌اند حکایت از آن دارد که او قصد خاحفظی از قدرت را ندارد.

کرسی آزاداندیشی

جلال جلالی زاده، نماینده مجلس ششم در گفت‌وگو با «اعتماد» مطرح کرد

سوءاستفاده قدرتمندان از آزادی

■ **در جریان تصویب CFT شاهد کنش‌هایی از برخی نمایندگان مجلس بودیم که مشابه همان آتش زدن برجام در پارلمان بود. نگاه شما به این کنش در چیست؟**

بحث آزادی در ارتباط با جامعه، عدالت، حقوق شهروندی، مصالح ملی و... باید تعریف شود. برای مثال کسانی بلندکردن صدای ضبط ماشین در مکان عمومی را آزادی نمی‌گویند.

بحث آزادی در ارتباط با جامعه، عدالت، حقوق شهروندی، مصالح ملی و... باید تعریف شود. برای مثال کسانی بلندکردن صدای ضبط ماشین در مکان عمومی را که آزادی نمی‌گویند. آزادی زمانی است که عمل آزادی‌بخش است که عمل و مقصود آسایشی و خلاقی باشد. اگر گروهی فقط به خاطر مصالح جناحی و گروهی، عملی انجام دهند و آن را توجیه کنند موجب برهم زدن آسایش جامعه و نهادهای آن می‌شود. جامعه باید دارای ضوابط و قوانین مشخصی باشد و مفهوم آزادی درست تعریف شود. متاسفانه در جامعه ما به آزادی به درستی و کفایت بها داده نشده و مردم نتوانسته‌اند از مفهوم درست آزادی استفاده کنند طبعا کسانی که از پشتوانه قدرت برخوردار هستند از این آزادی سوءاستفاده می‌کنند و دیگران که در مقابل هنجارشکنان می‌ایستند از آزادی محروم هستند. همه باید حق بیان آزاد داشته و حق انتخاب آزاد داشته‌باشند نه اینکه کسانی به نام آزادی هر آنچه را می‌خواهند انجام دهند و کسی آنها را بازخواست نکند و کسانی که سخن حق می‌گویند نتوانند فکر و اندیشه خود را بیان کنند. این عین اختناق و سانسور است.

اگر اما اگر یک استاد یا دانشجو حرف بیان اندیشه خود را نداشته‌باشد و تنها عدای خاص حق اظهارنظر داشته‌باشند این نقض آزادی بیان و اندیشه است.

■ **در زمان مجلس ششم رقبای اصلاح‌طلب تحصن نمایندگان در مجلس را هم عملی خلاف و دور از شأن مجلس می‌دانستند در صورتی که متحصنین، واکنش خود را در جهت احقاق حقوق خود تعبیر می‌کردند. به نظر شما چرا امروز این آزادی مخدوش است و برای روشن شدن آن چه باید کرد؟**

بحث آزادی در ارتباط با جامعه، عدالت، حقوق شهروندی، مصالح ملی و... باید تعریف شود. برای مثال کسانی بلندکردن صدای ضبط ماشین در مکان عمومی را که آزادی نمی‌گویند. آزادی زمانی است که عمل آزادی‌بخش است که عمل و مقصود آسایشی و خلاقی باشد. اگر گروهی فقط به خاطر مصالح جناحی و گروهی، عملی انجام دهند و آن را توجیه کنند موجب برهم زدن آسایش جامعه و نهادهای آن می‌شود. جامعه باید دارای ضوابط و قوانین مشخصی باشد و مفهوم آزادی درست تعریف شود. متاسفانه در جامعه ما به آزادی به درستی و کفایت بها داده نشده و مردم نتوانسته‌اند از مفهوم درست آزادی استفاده کنند طبعا کسانی که از پشتوانه قدرت برخوردار هستند از این آزادی سوءاستفاده می‌کنند و دیگران که در مقابل هنجارشکنان می‌ایستند از آزادی محروم هستند. همه باید حق بیان آزاد داشته و حق انتخاب آزاد داشته‌باشند نه اینکه کسانی به نام آزادی ه